



جمهوری اسلامی ایران
وزارت امور اقتصادی و دارایی
ستاد همکارى حوزه علمیه و وزارت امور اقتصادی و دارایی

سنت های الهی در اقتصاد



سنت‌های الهی در اقتصاد

این نوشتار برگرفته از ارائه سخنرانی حجت الاسلام و المسلمین دکتر جواد عبادی در رویداد هجرت ۲؛ روایت فتح می باشد.



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

عنوان: سنت‌های الهی در اقتصاد

سخنران: حجت الاسلام و المسلمین دکتر جواد عبادی

ناظر علمی: دکتر حمیدرضا مقصودی، دکتر علی سعیدی، دکتر صادق سلمانی

گروه پژوهشی: ستاد همکاری حوزه علمیه و وزارت امور اقتصادی و دارایی

ویراستار: جلال جوانمرد

واژه‌های کلیدی: سنت‌های الهی، احکام، محرومیت از نعمت، کسب و کار، معیشت

شناسه گزارش: ۴۰۲۱۲۲۰۰۸۴۰

تاریخ نشر: اسفندماه ۱۴۰۲

حقوق معنوی این اثر متعلق به ستاد همکاری حوزه علمیه و وزارت امور اقتصادی و دارایی است و استفاده از آن با ذکر مأخذ بلامانع است.

جهت دریافت گزارش‌های سیاستی به سایت www.sahwa.ir مراجعه کنید.

مطالب این نوشتار الزاماً نظرات رسمی وزارت امور اقتصادی و دارایی و ستاد همکاری حوزه علمیه و وزارت امور اقتصادی و دارایی نمی باشد.



فهرست مطالب

- ۱ مشکلات شناخت نداشتن از سنت‌ها و قوانین الهی.....
- ۱ تفاوت سنت‌های الهی با احکام الهی.....
- ۲ جنود قوانین الهی.....
- ۲ مرور بعضی از سنت‌های الهی.....
- ۲ انجام گناه باعث محروم شدن از نعمت می‌شود.....
- ۳ خداوند عهده‌دار روزی تمام جنبنده‌هاست.....
- ۴ دیدگاه مردم به کسب و کار از زبان پیامبر.....
- ۸ مطلوبیت.....
- ۹ جمع بندی.....



سقوط سیصد ساله

باسمه تعالی

مشکلات شناخت نداشتن از سنت‌ها و قوانین الهی

پروردگار متعال در قرآن کریم می‌فرماید: «ما عالم را براساس سنت‌ها و فرمول‌ها و قانون‌ها اداره می‌کنیم». سزاوار است که این قانون‌ها را بشناسیم. البته این‌گونه نیست که اگر ندانیم، آن قانون‌ها متوقف شوند. اگر از آن‌ها آگاه باشیم، بی‌گمان برنامه‌هایمان را براساس آن‌ها تنظیم و از ظرفیت‌های عالم هستی استفاده می‌کنیم، و اگر ندانیم، محروم می‌شویم و در زندگی فردی و اجتماعی‌مان اختلال پیش می‌آید و به اصطلاح از ریل عالم هستی خارج می‌شویم.

فرض کنید که بنده در قم زندگی می‌کنم و برای انجام کاری اداری باید به تهران بروم. اگر از قانون ادارات تهران اطلاع داشته باشم که پنج‌شنبه‌ها تعطیل است، روز پنج‌شنبه به تهران نمی‌روم؛ اما اگر اطلاع نداشته باشم، روز پنج‌شنبه خواهم رفت. هم به زحمت خواهم افتاد و هم هزینه خواهم کرد و هر کاری هم که انجام دهم، مشکل من برطرف نخواهد شد.

اگر از سنت‌ها و قوانین الهی آگاه نباشیم، عمرمان تلف می‌شود و اذیت می‌شویم، از مسیر خارج و با انواع مشکلات و چالش‌ها مواجه خواهیم شد. اگر آن قوانین را بدانیم و زندگی فردی و اجتماعی خود را براساس آن تنظیم کنیم، مسیرمان الهی می‌شود و زندگی فردی و اجتماعی‌مان روی ریل خلقت قرار می‌گیرد؛ همچنین از ظرفیت‌ها برای رشد، سعادت و ارتقای خود استفاده می‌کنیم؛ افزون بر اینکه نصرت برای ما خواهد بود. متأسفانه یکی از مشکلات امروزه در جامعه، حتی در سطح مسئولان و برنامه‌ریزان کشور، این است که قوانین و سنت‌های الهی را در نظر نمی‌گیرند و بلکه به‌کلی از آن‌ها چشم‌پوشی می‌کنند.

از ظرفی پروردگار متعال می‌فرماید: چه چشم‌پوشی کنید و چه نکنید، چه بدانید و چه ندانید، سنت‌ها و قوانین بر جهان هستی حاکم هستند. و از ظرفی، اگر خطایی باشد، از قوانین نیست؛ مشکل از ندانستن شما بوده است که یا ندانستید، یا دانستید و ملتزم نشدید. از سوی دیگر، اگر بخواهیم قوانین الهی را به دلخواه افراد تغییر دهیم: ۱. حکیمانه نیست؛ ۲. معقول نیست؛ ۳. تزاحم به وجود می‌آید و اصلاً عملی نیست.

تفاوت سنت‌های الهی با احکام الهی

قوانین و سنت‌های الهی با احکام الهی تفاوت دارند. احکام الهی شاید در برخی امت‌ها وجود داشته باشند و در برخی امت‌ها تغییر کنند. برای مثال، در بحث احکام در برخی امت‌ها ازدواج هم‌زمان با دو خواهر جایز بوده است؛



سقوط سیصد ساله

حتی بنا به نقلی، حضرت یعقوب علی نبینا و علیه السلام هم‌زمان با دو خواهر ازدواج کرده است؛ اما در امت‌های دیگر، به‌ویژه اسلام، این ازدواج ممنوع شد. یا مثلاً نماز و روزه در برخی امت‌ها به‌گونه‌ای بوده و در امت اسلامی به‌شکل دیگر است.

در احکام الهی تغییر و تبدیل وجود دارد، اما در سنت‌های الهی و قوانین الهی وجود ندارد؛ تمام آنچه برای امت‌های قبلی وجود داشته، برای امت‌های بعدی، به‌ویژه امت اسلام، نیز ساری و جاری است. حق تعالی می‌فرماید: (سُنَّةَ اللَّهِ فِي الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلُ وَ لَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا) ۱ (سنت‌هایی که در امت‌های قبل نیز بوده است، و در سنت [و قوانین] خداوند متعال تغییر و تبدیلی نمی‌بینید).

جنود قوانین الهی

خداوند متعال برای جریان یافتن این قوانین، سربازان و جنودی دارد: (وَ لِلَّهِ جُنُودُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ كَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا) ۲ (خداوند سربازانی دارد که برای انجام آن ماموریت‌ها و قوانین الهی با یکدیگر هماهنگ هستند). آن سربازان چه کسانی هستند و تعدادشان چقدر است؟ (وَ مَا يَعْلَمُ جُنُودَ رَبِّكَ إِلَّا هُوَ) ۳ (کسی جز خدا جنود الهی را نمی‌شناسد).

مروور بعضی از سنت‌های الهی

برای برون‌رفت از مشکلات فردی و اجتماعی جامعه باید به سنت‌های الهی روی آوریم و روی ریل عالم هستی و خلقت خالق بازگردیم. در ادامه، چند سنت را به اختصار مرور می‌کنیم تا دریابیم که کجاها اشتباه کرده‌ایم. مبلغان محترم در سراسر کشور باید این مطالب را به مردم برسانند. وظیفه و رسالت ما در کنار راهنمایی‌های اقتصادی، که مثلاً چه شغلی را انتخاب کنیم، این است که سنت‌ها و قوانین الهی را مطرح کنیم.

سنت‌ها و قوانین الهی به عبارتی اسناد بالادستی عالم خلقت هستند. هرچه احکام را دقیق رعایت کنیم، اگر سنت‌های الهی را لحاظ نکنیم، نتیجه موردنظر را به دست نمی‌آوریم. بنده بحث سنت‌ها را ریاضی‌وار و فرمولی بیان می‌کنم؛ یعنی بی‌بربرگرد دو دو تا چهار تاست و اگر این باشد، حتماً آن اتفاق می‌افتد.

انجام گناه باعث محروم شدن از نعمت می‌شود

۱. سوره احزاب، آیه ۶۲.

۲. سوره فتح، آیه ۴.

۳. سوره مدثر، آیه ۳۱.



سقوط سیصد ساله

خداوند می فرماید: (وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ) ۱ (اگر اهل شهر و دیار ایمان بیاورند و تقوا پیشه کنند، برای آنان برکات آسمان‌ها و زمین را فرومی فرستیم).

با نگاه قوانین و سنت‌های الهی به موضوع این آیه دقت کنید؛ این فرمول یعنی ایمان آوردن به تنهایی کفایت نمی‌کند: (إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا)؛ ۲ سپس استقامت کردند! منظور استقامت در برابر دشمنان نیست، بلکه در تقوای پیشگی است.

تمام برکت‌های زمین و آسمان‌ها که در اطراف ما وجود دارد، مثل هوا و خورشید و ابرها و کوه‌ها، همگی جنود الهی هستند و هرکدام مأموریتی دارند. خداوند در این‌ها برکاتی قرار داده و به اندازه‌ای که گناه کنیم، بخشی از برکات الهی را از دست می‌دهیم. نمی‌شود گناه کنیم و بخشی را از دست ندهیم؛ امکان ندارد که سنت الهی تغییر کند.

خداوند عهده‌دار روزی تمام جنبنده‌هاست

(وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ إِلَّا عَلَى اللَّهِ رِزْقُهَا) ۳ (هیچ جنبنده‌ای روی زمین نیست، مگر اینکه روزی آن بر خداوند است).

بر ما چیزهایی واجب است، اما آیا بر خدا نیز چیزی واجب است؟ پروردگار متعال پاسخ می‌دهد: بله، روی زمین هیچ جنبنده‌ای را نیافریدم، مگر اینکه بر خود واجب کردم که روزی‌اش را بدهم. «علی‌الله» در اینجا به معنای واجب است.

در آیه‌ای دیگر می‌فرماید: (هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا ثُمَّ اسْتَوَى)؛ ۴ هرچه روی زمین هست، برای ما آفریده است و قرار نیست از کره‌های دیگر کسی بیاید و چیزی از زمین با خود ببرد؛ و به اندازه نیز آفریده است.

در اینجا سؤالی مطرح می‌شود: اگر خداوند متعال روزی ما را واقعاً آفریده است، چه نیازی به کسب‌وکار و فعالیت اقتصادی هست؟ باید توجه کنیم که سنت‌های الهی در یک آیه وجود ندارند؛ گاهی سه یا چهار آیه کنار هم جمع می‌شوند و با یکدیگر فرمول الهی را می‌سازند. پروردگار متعال می‌فرماید: از ابتدای خلقت بر خود واجب کردیم که برای هر جنبنده‌ای روزی بیافرینیم، اما: (وَأَنْ لَّيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى) ۵ (نیست برای انسان، مگر به اندازه‌ای

۱. سوره اعراف، آیه ۹۶.

۲. سوره فصلت، آیه ۳۰.

۳. سوره هود، آیه ۶.

۴. سوره بقره، آیه ۲۹.

۵. سوره نجم، آیه ۳۹.



سقوط سیصد ساله

که تلاش کند). معنای این دو آیه با هم یک روایت می شود.

به این مثال توجه کنید: در مجلس تصویب می کنند که مثلاً بودجه استان قم امسال سی هزار میلیارد تومان است. این حرف می تواند دو معنا داشته باشد: ۱. سی هزار میلیارد تومان به حساب استانداری قم واریز شده است که اگر برنامه ای داشته باشد یا نداشته باشد، هزینه کند یا نکند، این پول برای سازمان است؛ ۲. سی هزار میلیارد برای شهر قم در نظر گرفته شده است؛ اگر طرح و برنامه ای بیاورند که در سازمان برنامه بودجه تصویب شود، هزینه برنامه از آن مبلغ به استانداری تحویل داده می شود. چه بسا استانی باشد که در انتهای سال نتواند حتی نصف بودجه مصوب خود را جذب کند. اگر استانداری مدیریت درستی نداشته باشد، باینکه بودجه در نظر گرفته شده است، اما شاید حتی نصف بودجه را نیز نتواند مصرف کند. بعضی استان ها نیز ممکن است پیش از شهریور، تمام بودجه خود را جذب کرده و دوباره تقاضای بودجه داشته باشند.

پروردگار متعال می فرماید: به اندازه ای که زندگی تان راضیه و مرضیه باشد، برای شما بودجه در نظر گرفته ام: (مَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ إِلَّا عَلَى اللَّهِ رِزْقُهَا). اما لقمه ای از این بودجه یا رزقی که برایتان در نظر گرفته ام به شما نمی رسد، مگر به اندازه ای که تلاش کرده باشید: (وَأَنْ لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى).

دیدگاه مردم به کسب و کار از زبان پیامبر

رسول خاتم صلی الله علیه و آله وسلم در روایتی این سنت را به زیبایی بیان می کنند:

التَّاسُ عَلَى خَمْسِ مَرَاتِبٍ: مِنْهُمْ مَنْ يَرَى أَنَّ الرَّزْقَ مِنَ الْكَسْبِ لَا مِنَ اللَّهِ، فَهُوَ كَافِرٌ؛ وَمِنْهُمْ مَنْ يَرَى أَنَّ الرَّزْقَ مِنَ اللَّهِ وَمِنَ الْكَسْبِ، فَهُوَ مُشْرِكٌ؛ وَمِنْهُمْ مَنْ يَرَى أَنَّ الرَّزْقَ مِنَ اللَّهِ وَأَنَّ الْكَسْبَ سَبَبٌ، فَلَا يَدْرِي يُعْطِيهِ أَمْ لَا، فَهُوَ مُنَافِقٌ شَاكٌّ؛ وَمِنْهُمْ مَنْ يَرَى أَنَّ الرَّزْقَ مِنَ اللَّهِ وَأَنَّ الْكَسْبَ سَبَبٌ، فَلَا يُؤَدِّي حَقَّهُ وَيَعْصِي اللَّهَ مِنْ أَجْلِ الْكَسْبِ، فَهُوَ فَاسِقٌ؛ وَمِنْهُمْ مَنْ يَرَى أَنَّ الرَّزْقَ مِنَ اللَّهِ وَيَرَى الْكَسْبَ سَبَباً، وَيُؤَدِّي حَقَّهُ وَلا يَعْصِي اللَّهَ لِأَجْلِ الْكَسْبِ، فَهُوَ مُؤْمِنٌ مُخْلِصٌ طُعْمَةٌ ۱.

مردم پنج دیدگاه کلی به کسب و کار دارند. دقت کنید که حضرت، تعبیر «الناس» را به کار برده اند؛ یعنی حتی نظام کشور در قانون گذاری و مدیریت، چه این دیدگاه را داشته باشند و چه نداشته باشند، این اتفاق می افتد! گروه یکم می گویند: رزق و روزی از کسب و کار و فعالیت اقتصادی است، نه از جانب خدا؛ هرچقدر کار کنیم، همان قدر روزی خواهیم داشت. این دیدگاه کافران است.

۱. الإثنا عشرية، ص ۲۰۶، به نقل از: محمد محمدی ری شهری، گزیده حکمت نامه پیامبر اعظم، ج ۱، ص ۹۴۲.



سقوط سیصد ساله

گروه دوم معتقدند: روزی از ناحیه فعالیت اقتصادی و خداست؛ یعنی پروردگار متعال و فعالیت اقتصادی دست به دست هم می‌دهند تا آن روزی به دست آید. حضرت اینان را مشرک خوانده‌اند.

گروه سوم بر این باورند که رزق از جانب خداست و کسب و کار فقط سبب جذب رزقی است؛ اما تردید دارند که اگر کار کنند، خداوند روزی را می‌دهد یا نمی‌دهد. به تعبیر رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم این دیدگاه منافقان شک‌کننده است. به راستی آیا ممکن است پروردگار متعال چیزی را بگوید و به آن عمل نکند؟!

گروه چهارم نیز رزق و روزی را از جانب خدا و کسب و کار را سبب جذب آن می‌دانند؛ اما مشکلشان این است که حقوق مالی خود را پرداخت نمی‌کنند و در فعالیت‌های اقتصادی خدا را معصیت می‌کنند؛ یعنی با احکام مالی را نیاموخته‌اند یا می‌دانند که آن پول ربا، رشوه، مال یتیم یا قمار است، در عین حال معصیت می‌کنند. پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله و سلم می‌فرمایند: اینان فاسق‌اند.

گروه پنجم دیدگاه درستی دارند و از جهت عملیاتی نیز درست عمل می‌کنند؛ این دسته، مانند گروه سوم و چهارم، رزق را از جانب پروردگار متعال و کسب و کار را صرفاً سبب رزقی می‌دانند؛ با این تفاوت که در عین حال حقوق مالی را نیز رعایت می‌کنند و پروردگار متعال را از ناحیه کسب، معصیت نمی‌کنند. این افراد مؤمن‌اند.

«مُخَلِّصٌ طُعْمَهُ»

رسول خاتم صلی الله علیه و آله و سلم گروه پنجم را «مُخَلِّصٌ طُعْمَهُ» نامیده‌اند. در این جمله دو کلمه‌ای به اندازه عالم حرف و خاصیت هست. یعنی روزی به دست آمده‌شان از ناحیه‌ای است که در آن حرام وجود ندارد و واجبات مالی آن انجام را می‌دهند.

«مُخَلِّصٌ» کسی است که می‌کوشد خالص شود. «مُخَلِّصٌ طُعْمَهُ» یعنی پروردگار متعال آن طعمه و رزق را خالص کرده است. با آن رزق می‌توان به راحتی فرزند تربیت کرد، حج رفت و زندگی را توسعه داد. به عبارتی با آن روزی است که انسان از زندگی و خدا لذت می‌برد؛ هم خدا از او راضی است و هم او از خدا راضی است و زندگی راضیه مرضیه می‌شود. این قانون الهی است. حال اگر این را ندانیم یا بدانیم و بخواهیم قوانین را دور بزنیم، در هر صورت این سنت‌ها تغییر ناپذیرند و خداوند آگاه است که چه کرده‌ایم.

(لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ)

گاهی به راحتی از کنار یک سری آیات عبور می‌کنیم، حال آنکه آن‌ها قوانین الهی هستند. خداوند می‌فرماید: (وَإِذْ



سقوط سیصد ساله

تَأَذَّنَ رَبُّكُمْ لَئِن شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ ۱ (به خاطر بیاورید هنگامی که پروردگارتان اعلام داشت اگر شکرگزاری کنید، [نعمت خود را] بر شما خواهم افزود). خداوند تعارف ندارد و چیزی را بیراه و بیهوده مطرح نمی‌کند.

(لَئِن كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ)

جامعه‌ای که بازار و بانکداری‌اش بیخیالِ حدود الهی شود، یعنی ربا در آن جریان داشته باشد، کاری برای اصلاحش نکند و بر حرام‌ها چشم‌پوشی کند، کفران نعمت کرده و باید منتظر عذاب شدید باشد.

جامعه باید سنت‌های الهی را جلو چشمش داشته باشد. پروردگار متعال می‌فرماید: (يَمْحُقُ اللَّهُ الرِّبَا)؛ ۲ یعنی مالی که از راه ربا به زندگی وارد شود، خداوند آن را نابود می‌کند. حال نمی‌شود این‌گونه حساب‌و‌کتاب کنیم که شاید ما جزء کسانی باشیم که رباخواری کنیم، ولی پروردگار متعال مالمان را نابود نکند.

با همه فضلی که جمهوری اسلامی ایران دارد، از جمله اسلام و قرآن و ام‌القری و تشیع و شهدا، پروردگار متعال با ما قوم‌و‌خویش نیست! قوانین و سنت‌های الهی امت‌هایی را از چاه خارج کرده و به اوج رسانده و امت‌هایی را از اوج به زیر کشانده و به پستی رسانده است. انسان با توجه به این‌ها درمی‌یابد که باید در برخی کارها تجدیدنظر کند؛ به‌ویژه مسئولان و کسانی که تصمیم‌گیری می‌کنند، باید بیشتر توجه کنند. گاهی به‌واسطه مسئولیت‌هایمان در بعضی از جلسات به‌ظاهر می‌گوییم خط قرمز ما احکام الهی هستند؛ ولی در عمل به جایی می‌رسیم که سیاستمان از نظر شرعی اشکال و در آن حرام وجود دارد. خداوند متعال باید با چه بیانی این مفهوم را به گوش ما می‌رساند.

اعراض از ذکر خداوند سبب تنگنا در معیشت می‌شود

(وَ مَنْ أَعْرَضَ عَنْ ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكاً وَ نَحْشُرُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَعْمَى). ۳ هر فرد، اجتماع یا امتی که از ذکر پروردگار اعراض کند، یعنی حدود الهی را رعایت نکند، معیشت او با تنگی مواجه و روز قیامت، کور محسور خواهد شد.

(كُلُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ وَ مَا ظَلَمُونَا)

خداوند سنت دیگرش را در آیه ۵۷ سوره بقره این‌گونه بیان می‌کند: (كُلُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ وَ مَا ظَلَمُونَا وَ لَكِنْ كَانُوا أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ) (از حلال‌هایی که روزی‌تان کرده‌ایم استفاده کنید [و کسانی که به‌دنبال حرام رفته‌اند]، به ما ظلم نکرده‌اند، بلکه به خودشان ظلم کرده‌اند)؛ یعنی عالم را این‌گونه ساخته است که جنود الهی مأموریت

۱. سوره ابراهیم، آیه ۷.

۲. سوره بقره، آیه ۲۷۶.

۳. سوره طه، آیه ۱۲۴.



سقوط سیصد ساله

دارند اگر کسی به دنبال حرام برود، به خود ظلم کرده باشد. شاید از این سمت و آن سمت تشویقش کنند که رباخواری کرده، به راحتی راه مردم را بسته و سفره‌های امت اسلامی را کوچک کرده؛ ولی به خودش ظلم کرده، چون سنت پروردگار متعال در آیه شریفه بیان شده است. همچنین خداوند متعال فرموده است: (فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ * وَ مَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ).^۱

هرکه تقوا پیشه کند، به بن بست نخواهد خورد

در آیات ۲ و ۳ سورة طلاق نیز یکی دیگر از سنت الهی بیان شده است: (وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا * وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ). هرکس تقوا پیشه کند، به بن بست و تحریم مبتلا نمی‌شود. اگر جامعه به حرام خواری نیفتد، پروردگار متعال راه و شرایط خروج از تحریم را فراهم خواهد کرد.

اگر این آیات در زندگی، خانواده و اجتماع ما حضور داشته باشد و به این‌ها عمل کنیم، اصلاً رفتار و کار و فعالیت ما چیز دیگری می‌شود و روش دیگری را برمی‌گزینیم.

سنت الهی این است که هرکس تقوا پیشه کند، خداوند اولاً او را از تحریم‌ها رها و برایش محل خروج فراهم می‌کند؛ ثانیاً روزی‌اش را از ناحیه‌ای می‌رساند که اصلاً روی آن حساب نمی‌کند.

در آیه‌ای دیگر می‌خوانیم: (وَمَا آتَيْتُمْ مِنْ رِبًا لِيَرْبُوا فِي أَمْوَالِ النَّاسِ فَلَا يَرْبُوا عِنْدَ اللَّهِ).^۲ با ماشین حساب به این نتیجه می‌رسید که اموالتان با رباخواری زیاد می‌شود؛ مثلاً ده تومان داده‌اید، به شرط اینکه پانزده تومان پس بگیرید؛ به‌ظاهر نیز واقعاً زیاد می‌شود، اما خداوند اجازه رشد از ناحیه مال حرام را نمی‌دهد.

این سؤال برای مردم، به‌ویژه مؤمنان، پیش می‌آید: پس چرا آدم‌های بسیاری هستند که از مال حرام زندگی‌های مرفه‌ی ساخته‌اند؟ خداوند می‌فرماید: (وَلَا تُعْجِبْكَ أَمْوَالُهُمْ وَأَوْلَادُهُمْ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ أَنْ يُعَذِّبَهُمْ بِهَا فِي الدُّنْيَا وَ تَزَهَّقَ أَنْفُسُهُمْ وَ هُمْ كَافِرُونَ)^۳ (مبادا اموال و اولادشان تو را به تعجب وادارد؛ خدا اراده کرده است آنان را با همین اموال و اولاد عذاب کند و جان آنان را بستاند، درحالی‌که کافر هستند).

سؤال دیگر این است: چه زمانی عذاب خواهند شد؟ اولاً (إِنَّ رَبَّكَ لَبَالِمُرْسَادٍ)^۴ (همانا پروردگار تو در کمین‌گاه است [و عجله ندارد]). اگه بنا بود هرکه گناه کرد پروردگار متعال بی‌فاصله مؤاخذه‌اش کند، دیگر اختیاری در کار

۱. سورة زلزله، آیات ۷ و ۸.

۲. سورة روم، آیه ۳۹.

۳. سورة توبه، آیه ۸۵.

۴. سورة فجر، آیه ۱۴.



سقوط سیصد ساله

نبود؛ تقریباً چیزی مثل اجبار بود. در این صورت کسی گناه نمی‌کرد؛ در نتیجه خاصیتی نخواهد داشت که انسان با اختیار رشد کند و وجه تمایزهای میان انسان و ملانک نخواهد بود. ثانیاً پروردگار متعال مهلت می‌دهد تا انسان توبه کند: **﴿قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِن رَّحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا﴾**؛ ۱ یعنی اگر گناه کردید، مهلت می‌دهیم تا توبه کنید؛ ولی این طور نیست که از این مهلت سوء استفاده و گمان کنید کسی جلودارتان نیست. در آیه‌ای دیگر می‌فرماید: **﴿وَلَا يَحْسَبَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّمَا نُثَمِّلِي لَهُمْ خَيْرٌ لِّأَنفُسِهِمْ إِنَّمَا نُوَلِِّي لَهُمْ لِيُذَادُوا إِثْمًا وَلَهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ﴾**؛ ۲ (اهل [گناه و] کفر گمان نکنند که اگر به آنان مهلت می‌دهیم به نفعشان است. [این مهلت را برای توبه کردن داده‌ایم؛ اگر گمان کنند که این فرصتی برای سوء استفاده است] مهلت دادن ما موجب می‌شود که گناهان آنان زیاد شود و برای آنان عذابی دردناک است).

به این نکته هم توجه کنید: نابود یا آباد شدن زندگی لزوماً به معنای ریختن آجرها یا سقف آن زندگی نیست!

مطلوبیت

کسانی که تحصیلات اقتصادی دارند، خوب می‌دانند که شخص نباید فقط سود نقدی را حساب و کتاب کند. عبارتی به نام «مطلوبیت» هست که مثلاً معامله‌ای که انجام می‌دهیم، آیا برای ما مطلوبیت دارد یا خیر! فرض کنید که شخصی از شنبه تا پنج‌شنبه در اداره‌ای کار می‌کند و ساعتی چهل هزار تومان حقوق می‌گیرد. کارفرما به او می‌گوید: اگر جمعه‌ها کار کنی، دو برابر یعنی ساعتی هشتاد هزار تومان حقوق خواهی گرفت. اگر فرد اقتصادی نباشد، سریع و با خوشحالی قبول می‌کند، اما اگر فرد اقتصادی باشد، همه جوانب را می‌سنجد که آیا کار کردن روز جمعه برایش مطلوبیت دارد یا خیر؛ یا به عبارتی، هزینه فرصت کار کردن در روز جمعه برای او چقدر است. حساب می‌کند که به استراحت نیاز دارد و اگر روز جمعه را نیز کار کند، پس از چند ماه بیمار می‌شود و باید دو برابر دستمزد اضافه‌کاری‌هایش را خرج درمان کند. ضمن اینکه اگر روز جمعه هم کار کند، به همسر و تربیت فرزندانش نمی‌رسد و به‌مرور رابطه‌شان سرد خواهد شد و چه‌بسا فرزندانش به بیراهه بروند. آنگاه شاید با تمام دارایی‌اش هم نتواند زندگی ازدست‌رفته را به حالت قبل بازگرداند و نامالیمات به‌وجود آمده را ملایم سازد. این طور نیست که فقط عدد و رقم را نگاه کنید. مؤمن و متدین واقعی می‌داند که در سبد مطلوبیت خود رضایت

۱. «بگو: ای بندگان من که بر نفس خود اسراف و ستم کرده‌اید، از رحمت خداوند ناامید نشوید که خداوند همه گناهان را می‌آمرزد»؛ سوره زمر، آیه ۵۳.

۲. سوره آل عمران، آیه ۱۷۸.



سقوط سبب ساله

پروردگار متعال را قرار داده؛ یعنی فردی که ایمان با گوشت و پوست و استخوانش عجین شده است، می‌داند که اگر حرام وارد زندگی‌اش شود جایی از آن را خراب می‌کند.

رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم می‌فرماید: «سریع‌ترین جایی که معمولاً مال حرام تأثیر خود را می‌گذارد، تربیت فرزندان است». بحث قیامت به کنار! مال حرام تربیت فرزندان را با مشکل مواجه خواهد کرد. نگاه اقتصاد اسلامی و توحیدی چنین است که اگر کسی به قوانین و سنت‌های الهی یقین و اعتقاد داشته باشد، به هیچ وجه مال حرام را قبول نمی‌کند؛ زیرا حساب و کتاب می‌کند که هزینه فرصت ورود آن مال حرام به زندگی‌اش چه خواهد بود.

ربا خودبه‌خود نابود نمی‌شود؛ خداوند آن را نابود می‌کند: (يَمْحَقُ اللَّهُ الرِّبَا)؛^۱ یعنی خداوند زندگی، جامعه و اقتصادی که با ربا آلوده شود، نابود می‌کند. اگر فرد واقعاً اعتقاد داشته باشد، اصلاً لازم نیست حساب و کتاب قیامت را داشته باشد، حواسش را برای همین دنیا جمع می‌کند. مدیران و مسئولانی که به دنبال سعادت‌اند، هیچ‌گاه خود را آلوده به حرام نمی‌کنند. اگر واقعاً این فرهنگ در بین مردم جا بیفتد و حقیقتاً اعتقاد داشته باشند به اینکه مال حرام زندگی را نابود می‌کند، دیگر به دادگاه و نیروی انتظامی و قاضی و نگهبان نیازی نیست.

جمع‌بندی

متأسفانه ما از سنت‌های الهی، به‌ویژه در بحث‌های اقتصادی، فاصله گرفته‌ایم. خداوند در آیه ۲۷۸ از سوره بقره، مؤمنان را از رباخواری بر حذر می‌دارد و می‌فرماید: (يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَذَرُوا مَا بَقِيَ مِنَ الرِّبَا إِن كُنتُمْ مُؤْمِنِينَ) (ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از خدا بترسید و اگر ایمان آورده‌اید، هر چه از ربا باقی مانده است رها کنید). نمی‌گوید: «أَيُّهَا الْكَافِرُونَ» یا «أَيُّهَا الْمُنَافِقُونَ» یا حتی «أَيُّهَا النَّاسُ»، بلکه مؤمنان را مخاطب قرار می‌دهد: «يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا». و در آیه بعد می‌فرماید: (فَإِنْ لَّمْ تَفْعَلُوا فَأْذَنُوا بِحَرْبٍ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ) (اگر دست برندارید، آماده جنگ با خدا و رسولش شوید) که بی‌گمان حریفش نخواهید شد و نابود خواهید شد. این آیه هشدار است برای ما که از قوانین الهی و واقعیت‌هایی که جنود الهی عالم را براساس آن به تدبیر و فرمان الهی اداره می‌کنند، فاصله گرفته‌ایم؛ لذا دچار معصیت و عذاب شدید شده‌ایم.

ذات دشمن این است که هر کاری بتواند، انجام می‌دهد؛ ما نباید بنشینیم و گمان کنیم که روزی با روابطی که برقرار می‌کنیم حالمان خوش و وضعیتمان بهتر خواهد شد. تا وقتی که به سنت‌های الهی توجه نمی‌کنیم، فرزندان

۱. سوره بقره، آیه ۲۷۶.



سقوط سیصد ساله

خود را با باورهای واقعی الهی و قرآنی رشد ندهیم و تربیت نکنیم و به این‌ها ملتزم نشویم، به صورت فردی و اجتماعی با مشکلات مواجه خواهیم بود.

بحث‌های اعتقادی مهم هستند و جلوتر از احکام قرار دارند. اینکه می‌گویند اول اصول دین و بعد فروع دین، از این جهت است که اگر به توحید و عدل و معاد اعتقاد نداشته باشید، چگونه می‌خواهید نماز بخوانید؟! چطور و به چه انگیزه‌ای می‌خواهید از صبح تا شب گرسنه بمانید؟! اگر در مسائل اقتصادی این سنت‌های الهی و اعتقادی واقعاً حل شود، برای رسیدن به آن مدینه فاضله و مدینه نبوی و مدینه مهدوی، ان‌شاءالله، شرایط را فراهم خواهیم کرد.



«خلق پول خصوصی» در مقابل «خلق پول عمومی» قرار دارد و ایده جدیدی است برای اینکه نظم بدیلی را در برابر نظم پولی کنونی مطرح کنیم. اگر همه اصطلاحات و ایسم‌های تخصصی اقتصادی و فلسفی را کنار بگذاریم، از منظر دسته‌بندی نظام‌های اقتصادی، یک سری از نظام‌ها به سمت توزیع همگانی مواهب اقتصادی حرکت می‌کنند؛ از سوی دیگر، نظام‌هایی به سمت تصاحب مواهب اقتصادی به نفع عده‌ای محدود شکل یافته‌اند؛ مثل بانک‌ها. در حالی که تنها راه برای همگانی کردن اعتبار و پول، ملی‌سازی نظام پولی است.